بازخوانی چند نگاه کلیشه‌ای به نگهداری حیوان خانگی

سبک زندگی غربی یا بخشی از زندگی ایرانی؟

الهام فخاری

هرازگاهی کشمکش بر سر نگهداری جانوران همزیست خانگی در کشور اوج می‌گیرد. یک سوی افراطی این چالش کسانی هستند که در بی مبارزه با نگهداری جانوران خانگی و البته به دیگر سخن مبارزه با آنچه پیروی از سبک زندگی غربی می‌پندارند، هستند. سوی دیگر این مسئله شمار اندکی هستند که بدون آگاهی درست و بایسته از حقوق زیندگان و همزیستان، بدون توجه به حقوق شهروندی همسایگان و با کمترین دانش درباره گونه‌های همزیست خانگی و شرایط پرورش آنها، بر آوردن هر جانوری در هر خانه‌ای پافشاری دارند. دراین‌میان صدای شمار زیادی از شهروندان که به موضوع آگاه‌تر هستند و در پی تعریف روشن و متعادل از همزیستی و سازگاری سالم برای بهبود شرایط می‌کوشند، به جایی نمی‌رسد.

مسئله کانونی این است که دو سوی این چالش بیش و پیش از اینکه آگاهی بایسته درباره چیستی مسئله داشته باشند، درگیر مبارزه‌ای شده‌اند که شوربختانه قربانی آن جانوران بی‌نواه می‌شوند و هیچ برنده‌ای هم ندارد.

از دیرباز در این سرزمین تبدیل‌کردن موضوع‌های ساده به گره‌های کور و تنش‌های تند روش و رویه گروه‌هایی خاص بوده و هست. تاریخ نشان می‌دهد که با زور هیچ چیزی درونی و پایدار نمی‌شود و یکی از این مسئله‌ها ناهمراییِ درباره نگهداری جانوران همزیست خانگی و چگونگی این نگهداری است. همان‌گونه که یک سوی این کشمکش برای نامیمکن‌کردن نگهداری جانوران به نکته‌هایی دینی اشاره می‌کند، سخن مدافعان حق انتخاب شهروندان مستند به آیات و روایات و منش بزرگان دین و شریعت است.

برخی افراد برای سخن خود برهان‌پردازی بهداشتی می‌کنند؛ ولی کسانی هم بر این باور هستند که همزیستی می‌تواند با آگاهی و رعایت دستورهای بهداشتی باشد. به نظر می‌رسد بیش از مقایسه‌کردن استادها و اعتبارسنجی برهان‌پردازی‌ها باید «مبارزه» تلقی‌کردن مسئله نگهداری جانوران و گیاهان را متوقف کرد.

تا همگامی که شما در وضعیت مبارزه باشید برای پیروزی دیدگاهتان به آب و آتش خواهید زد ولی اگر به موضوع به‌مثابه یک مسئله نگاه کنید، برایش چاره‌جویی می‌کنید و این چاره‌جویی می‌تواند وضعیتی متعادل و متناسب را پدید آورد.

در یک بازخوانی روشن می‌شود چند نکته در کشمکش‌ها پررنگ بوده است:

- گمانه وارداتی‌بودن سبک زندگی و پیروی از سبک زندگی غربی: پیشینه تمدنی ایرانیان فراتر از هشت‌هزارساله و کهن است. زندگی آدمیان در زمین درکنار و با دیگر زیندگان، گیاهان و جانوران و تک‌یاخته‌ها بوده و هرجا آدمی تمدنی را سروسامان داده، در کنار خود از همزیستی و پرورش برخی گونه‌های گیاهی و جانوری بهره‌مند شده است. در نشانه‌های برجامانده از تمدن‌های پارس و ایران، بیش و بس از پذیرش اسلام، همزیستی آدمی با برخی گونه‌های جانوری ازجمله پرنده، چرنده یا گوشت‌خواران کوچک به چشم می‌خورد.

-طرح جداسازی، بیرون‌راندن و رهاکردن جانوران همزیست آدمی در فضاهای طبیعی بیرون شهر و روستا: در روند تحولی زیستی برخی از گونه‌های همزیست آدمی، از جمله ماکیان و سگ و گربه و کوسفند و مانند اینها، نمی‌توانند در بافت طبیعی و در کنار دیگر جانوران غیراهلی زندگی کنند و زندگی آنان وابسته به همزیستی با آدمی در بافت‌های شهری و روستایی است. ازاین‌رو بیرون‌راندن این جانوران به کشتار عمدی آنها می‌انجامد.

- گمانه نگهداری جانور خانگی جایگزین فرزندپروری: این پنداره یکی از چالش‌برانگیزترین بخش‌های کشمکش‌های کنونی بوده است. هیچ‌گاه نگهداری از گیاه یا جانور یا حتی دیگر کارهای اجتماعی-فرهنگی-اقتصادی جایگزینی برای تجربه زندگی مشترک زوج و همچنین تجربه فرزندپروری نبوده و نیست. مسئله انتخاب میان فرزند یا جانور همزیست نیست و اگر کسانی چنین برداشتی دارند، چه هواداران نگهداری چه مخالفان، باید در شناخت خود از مسئله بازنگری کنند.

هرچه فرد آگاهی و توجه گسترده‌تری به چیستی هستی پیدا کند، لایه‌های بیشتر و سامانه‌های درهم‌تنیده‌تری را درمی‌یابد. کسی که به همسر و فرزندان خود ارج می‌نهد، حق زندگی و همزیستی دیگر زیندگان را با کاهش آلایندگی و تنظیم بهتر مصرف و پیشگیری از ویرانگری رعایت می‌کند و در صورت برخورداری از امکان نگهداری سالم جانوران و گیاهان همزیست فضای عاطفی-روان‌شناختی مناسبی فراهم می‌کند، یک شهروند باورمند، باپیند به قانون، برخوردار از زندگی سالم و سازگار با هستی است.

همان‌گونه که باید دفعت راه چاره کاستی‌های مهارتی و عاطفی و ارتباطی افراد هم‌خانه‌شدن با گیاهان و جانوران نیست و نباید در پی شکست تعاملی میان آدم‌ها با ترس از مسئولیت فرزندآوری به دلیل ناتوانی گفتاری و اسارت جانور یا گیاه در دست آدمی آسیبی به آن وارد شود، باید به این هم اشاره کرد که راه توجیه فوبیا نسبت به جانوران با تحمیل سلیقه شخصی هم روا نیست.

ما باید برای چاره‌جویی مسئله‌های تعاملی، اجتماعی، خانوادگی و ارتباطی‌مان از رویکردهای تخصصی و علمی کمک بگیریم و می‌توان با تنظیم دستورنامه نگهداری بر پایه حقوق زیستی جانوران و حقوق شهروندی همسایگان، پیش‌شرط‌های گواهی سلامت روان و شرایط محیطی مناسب را تعریف کرد وگرنه با انکار و فرافکنی مسئله‌ها پیچیده‌تر می‌شوند.

-گمانه ترجیح یا جایگزین‌کردن جانوران بر آدم‌ها: چنین گمانه‌ای برآمده از تفکر خطی و تک‌عاملی (سادگی شناختی) است. وضعیت کنونی زمین، زیندگان، آدم‌ها و کشورها پیامد یک عامل یا در رقابت با یک موضوع/آدمی/جانور/گیاه نیست. همان‌گونه که شما همه زندگی شبانه‌روزی‌تان در میان نیازمندان یا برنامه‌های پاکسازی زمین سپری نمی‌شود، بلکه بخشی از زمان هفتگی خود یا بودجه شخصی، خانوادگی، یا سازمانی‌تان را به کمک به نیازمندان، کار داوطلبانه یا سرکشی به دیگران برنامه‌ریزی می‌کنید، ممکن است بر پایه انتخاب و علاقه‌تان نگهداری از گیاهان یا جانور همزیست خانگی را هم در زندگی خود بگنجانید.

اگر کار اجتماعی زندگی عادی و کار شما را به‌هم بریزد به معنای ناکارایی و مسئله‌ای است. به همین نسبت اگر نگهداری گیاه یا جانور، کار و زندگی سالم فرد را به‌هم ریخته باشد، نشانه مسئله و نیازمند چاره‌جویی است. اگر چنین نیست، این می‌تواند یک انتخاب فردی در کنار دیگر جنبه‌های زندگی و بدون مزاحمت برای جنبه‌های تعاملی اجتماعی و داوطلبانه باشد.

-گمانه هرکسی هرگونه جانوری را هر زمان و هرکجا بخواهد می‌تواند بیاورد: چنین رویکردی هم برآمده از کم‌توانی شناختی و خودمحوری است. همه گونه‌های جانوری همزیست خانگی آدمی نیستند. زیندگان (گیاه یا جانور، اسب‌باری یا پرکننده کاستی‌ها و ناتوانی‌های آدم‌ها نیستند و باید بر حقوق زیستی آنان پافشاری کرد. اگر به‌دور از ستیز با یکدیگر به قانون‌مندکردن نگهداری با توجه متعادل به حقوق زیستی جانور/گیاه و حقوق شهروندی و قوانین همسایگی بپردازیم، روشن خواهد شد که برای نگهداری گونه‌های مختلف چه پیش‌شرط‌های مکانی، متراژ مناسب، خدمات، بایسته‌های بهداشتی و درمانی و رویاروی‌های همسایگی لازم است.

نگهداری برخی گونه‌های درشت‌جثه، کمیاب و نیازمند فضاهای آزاد گسترده در پی‌آمدهای کوچک پیامدهای گوناگون برای همسایگان، فرد نگه‌دارنده و جانور به‌همراه دارد و بیش از آنکه تعاملی مثبت باشد، مسئله‌ای تنش‌زا خواهد بود.

آنچه در بندهای پیشین گفته شد اشاره‌هایی به برخی از برجسته‌ترین اختلاف‌ها بود. باید بار هم پافشاری کرد که برای کنار درست از چالش‌ها و چاره‌جویی مسئله‌های اجتماعی و ناهمانندی‌های سبک زندگی جنگ و ستیز راه سودمندی نیست.

در هیچ کشور توسعه‌یافته‌ای هم وضعیت نگهداری زیندگان با انکار یا فشار یا راهشکنی همراه نیست. تنظیم و تدوین روادارانه مفررات می‌تواند کمک کند به‌دور از رویکرد ستیزه‌گرانه. نگهداری از گونه‌های همزیست خانگی تعریف و قانون‌مند شود ولی نگهداری از جانداران در خانه بی‌ضابطه و سلیقه‌ای و نافی حقوق جانداران و حقوق همسایگان نباشد. پیش‌شرط‌ها و صلاحیت‌های مشخصی بررسی شوند و چگونگی نگهداری با ارتباط مؤثر با صنوف تخصصی مرتبط به‌ویژه دامپزشکان دام کوچک خانگی پایش شود.

طرح «صیانت از حقوق عامه در مقابل حیوانات مضر و خطرناک» چیست و چه هدفی را دنبال می‌کند؟

متهم‌سازی شهروندان

سامان موحدی‌راد

این روزها بازار «صیانت» در مجلس داغ است. نمایندگان مجلس که سومین سال حضورشان در خانه ملت را هم پشت سر گذاشته‌اند، چند طرح جنجالی را در این سال‌ها پیش برده‌اند که همه در یک چیز مشترک است: «صیانت! یکی از این طرح‌ها «صیانت از حقوق عامه در مقابل حیوانات مضر و خطرناک» است. اگرچه در عنوان این طرح عبارت حیوانات مضر و خطرناک قید شده؛ ولی در عمده صحبت‌هایی که از سوی مدافعان و طراحان این طرح در مجلس بیان می‌شود، می‌توان فهمید که این طرح «نگهداری حیوانات خانگی» در ایران را نشانه گرفته است. نمایندگان مجلس معتقدند نگهداری از سگ و گربه در خانه یک سبک زندگی غربی است و باید با آن مقابله کرد. اینکه تا چه حد این ادعا درست است، قابل بحث است؛ اما آنچه از مذاکرات فعلی مجلس، متن طرح و اظهارنظرهای نمایندگان مجلس برمی‌آید، چنین است که به جای تدوین سازوکاری برای حفظ حقوق انسان و حیوان در یک زندگی مسالمت‌آمیز شهری نمایندگان مجلس با طرح صیانت جدیدشان قصد دارند جامعه بزرگی از شهروندان ایرانی را تبدیل به مجرم کنند. همین که این طرح برخلاف ذات موضوعش به جای اینکه خروجی کار کمیسیون‌های بهداشت و درمان یا اجتماعی باشد، از دل کمیسیون قضائی مجلس بیرون آمده هم مؤید این نگاه است.

سگ و گربه هم‌تراز کروکودیل و مار

درباره این طرح تاکنون بحث‌های زیادی شده؛ ولی برای شروع به نیست نگاهی داشته باشیم به کلیات آن. مطابق این طرح نگهداری، گرداندن و حمل‌ونقل برخی از حیوانات در صورت تصویب این طرح ممنوع است. حیواناتی که در این طرح عنوان شده‌اند، هم دایره گسترده‌ای دارند؛ از سگ‌های «کروکودیل (تمساح)، لاکپشت، مار، سوسمار، گربه، موش، خرگوش، سگ و سایر حیوانات نجس‌العین و میموس» می‌شود. همین که حیواناتی مانند خرگوش، سگ و گربه در این طرح هم‌تراز حیواناتی مانند کروکودیل و مار قرار گرفته است، برای بسیاری جای سؤال دارد. همچنین مقایسه این حیوانات با عنوان طرح که از حیوانات «مضر و خطرناک» سخن گفته است، به هر روی چنانچه در این طرح آمده، اگر هر شهروندی اقدام به نگهداری، گرداندن، حمل‌وقبل یا واردات، تولید، تکثیر، پرورش و خرید و فروش این حیوانات کند، به جزای نقدی معادل ۱۰ تا ۲۰ برابر حداقل حقوق کارگری (که سالانه از سوی دولت و اتحادیه‌های مربوطه تعیین و اعلام می‌شود) و نیز ضبط حیوان مربوطه محکوم می‌شوند. همچنین در این طرح برخی سازمان‌ها نظیر هلال‌احمر، نیروی انتظامی، مراکز و آزمایشگاه‌های تحقیقاتی و... از شمول این قانون مستثنا شده‌اند. درباره شهروندان هم شرایط خاصی در نظر گرفته شده است. چنان‌که در این طرح آمده که روستانشینان، عشایر و کله‌داران، صرفا در محدوده فعالیت و متناسب با نیازهای زندگی خود می‌توانند از سگ نگهبان استفاده کنند، اما شما به‌عنوان یک شهروند شهرنشین چگونه می‌توانید حیوان خانگی داشته باشید؟ پاسخ این سؤال در دست دادستان شهرستان محل زندگی شماست. دادستان هر شهرستان باید کمیته‌ای متشکل از نمایندگان ذی‌ربط شهرداری، نیروی انتظامی، دانشگاه علوم پزشکی (اداره بهداشت و درمان) سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان دامپزشکی، نماینده تام‌الاختیار فرماندار تشکیل داده و به درخواست شهروندان برای نگهداری حیوان خانگی رسیدگی کند. به‌این‌ترتیب اگر شما شهروندی هستید که دوست دارید حیوان خانگی داشته باشید، باید فرم درخواستی بر کنید تا چنین کمیته‌ای به شما اجازه داشتن حیوان خانگی را بدهد. همچنین از دیگر موارد این طرح دستوراتی به اتحادیه مربوطه املاک است تا در قرارداد‌های شان ممنوعیت نگهداری حیوان خانگی را هم لحاظ کنند. همچنین در این طرح شرایطی برای گزارش شهروندان دیده شده که در صورت مشاهده نگهداری حیوان خانگی می‌توانند با حفظ محرمانه‌بودن نام‌شان مراتب را به دستگاه‌های ذی‌صلاح گزارش دهند. سرانجام همه حیواناتی که در جریان این طرح مشمول رفتار مجرمانه می‌شوند، هم ضبط از سوی دستگاه‌های ذی‌صلاح است.

آیا نگهداری حیوان در خانه یک سبک زندگی غربی است؟

«نگهداری حیوان‌های خانگی برای برخی تبدیل به «کلاس» شده؛ جولی آن را می‌گوییم». این اظهارنظر متعلق به خجسته‌الاملاء نقدعلی، نماینده مجلس یازدهم و اصفاسکننده طرح «صیانت از حقوق عامه در مقابل حیوانات مضر و خطرناک» است. او و بسیاری از مدافعان این طرح معتقدند که نگهداری حیوان خانگی یک سبک زندگی غربی است و مثل همه چیزهایی که غربی است و باید به جنگش رفت، باید مقابل این مورد هم ایستاد؛ اما این ادعا تا چه میزان درست است؟ آیا نگهداری حیوان در خانه واقعا یک فرهنگ وارداتی است؟

دکتر حسین ایمانی‌جاجرمی، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه در این باره به «شرق» می‌گوید: «هم‌زیستی انسان‌ها با حیوانات اصلی ریشه‌هایی تاریخی و قدیمی دارد؛ مثلا در سبک زندگی روستایی و عشایری ما سگ نقش مهمی دارد و کمک حال خانواده عشایری در موضوع اقتصادی است. حتی در این زمینه پژوهشی هم انجام شده که نشان می‌دهد نگهداری سگ‌ها در زندگی ایلیاتی چقدر اقتصادی، اجتماعی و با حتی روانی است. اما در منظر شهری موضوع کمی فرق می‌کند. از یک منظر نکته به این مسئله که انسان شهری حیوان خانگی را به عنوان موئس خود انتخاب کند اتفاق جدیدی است. اما این موضوع به این سادگی قابل تحلیل نیست. یعنی نمی‌توان گفت فقط نگهداری سگ و گربه در خانه غربی است. در گذشته خانه‌های شهری هم بزرگتر و حیاط‌دار بودند و انسان‌ها فرصت و جای بیشتری برای نگهداری حیوان داشتند. وقتی از آن خانه‌ها سپردیم به خانه‌های ۵۰ تا ۶۰ متری فعلی یعنی ما یک سبک زندگی دیگر را پذیرفته‌ایم. خانه‌های مسکن مهر که در همین دوره معاصر و از حوِ دوران مبارزه با سبک زندگی غربی ساخته شد هم واجد این شرایط است. بنابراین وقتی خانه‌هایی ۴۰ تا ۶۰ متری می‌سازیم و شهروندان را در آن جا می‌دهیم دیگر یک سبک زندگی را ترویج می‌کنیم. این سبک زندگی جدید هم به همراه دغدغه‌ی انفصال از زندگی اجتماعی، تنهایی، انزوا و نیازهای جدیدی را می‌آورد. بنابراین به نظرم این یک مسئله غربی و غیرغربی نیست؛ بلکه در واقع مسئله برمی‌گردد به نوع مسکن‌سازی، نوع شهرسازی، نوع اقتصادی که در جامعه ترویج و شهروندان را به آن عادت می‌دهید.

ایمانی‌جاجرمی در ادامه می‌گوید: «چه بخواهیم چه نخواهیم، ما در ایران یک نوع سبک زندگی یا یک نوع توسعه خیلی سریع در مدل‌های رایج جهانی را قبول کردیم؛ مثلا وقتی کلان‌شهر داریم که میلیون‌ها نفر در آن زندگی می‌کنند مثل خیلی از کلان‌شهرهای دیگر با مسئله‌ی تنها و اجزا هم دست و پنجه نرم خواهیم کرد. این مسئله برای پاریس هم وجود دارد برای لندن هم هست و برای تهران و مشهد هم تعریف می‌شود. ضمن اینکه تمام سیاست‌های اقتصادی-اجتماعی‌ای که در دهه‌های گذشته شکل گرفته‌اند، تمام این طرح معتقدند که نگهداری حیوان خانگی یک سبک زندگی غربی است و مثل همه چیزهایی که غربی است و باید به جنگش رفت، باید مقابل این مورد هم ایستاد؛ اما این ادعا تا چه میزان درست است؟ آیا نگهداری حیوان در خانه واقعا یک فرهنگ وارداتی است؟

دکتر حسین ایمانی‌جاجرمی، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه در این باره به «شرق» می‌گوید: «هم‌زیستی انسان‌ها با حیوانات اصلی ریشه‌هایی تاریخی و قدیمی دارد؛ مثلا در سبک زندگی روستایی و عشایری ما سگ نقش مهمی دارد و کمک حال خانواده عشایری در موضوع اقتصادی است. حتی در این زمینه پژوهشی هم انجام شده که نشان می‌دهد نگهداری سگ‌ها در زندگی ایلیاتی چقدر اقتصادی، اجتماعی و با حتی روانی است. اما در منظر شهری موضوع کمی فرق می‌کند. از یک منظر نکته به این مسئله که انسان شهری حیوان خانگی را به عنوان موئس خود انتخاب کند اتفاق جدیدی است. اما این موضوع به این سادگی قابل تحلیل نیست. یعنی نمی‌توان گفت فقط نگهداری سگ و گربه در خانه غربی است. در گذشته خانه‌های شهری هم بزرگتر و حیاط‌دار بودند و انسان‌ها فرصت و جای بیشتری برای نگهداری حیوان داشتند. وقتی از آن خانه‌ها سپردیم به خانه‌های ۵۰ تا ۶۰ متری فعلی یعنی ما یک سبک زندگی دیگر را پذیرفته‌ایم. خانه‌های مسکن مهر که در همین دوره معاصر و از حوِ دوران مبارزه با سبک زندگی غربی ساخته شد هم واجد این شرایط است. بنابراین وقتی خانه‌هایی ۴۰ تا ۶۰ متری می‌سازیم و شهروندان را در آن جا می‌دهیم دیگر یک سبک زندگی را ترویج می‌کنیم. این سبک زندگی جدید هم به همراه دغدغه‌ی انفصال از زندگی اجتماعی، تنهایی، انزوا و نیازهای جدیدی را می‌آورد. بنابراین به نظرم این یک مسئله غربی و غیرغربی نیست؛ بلکه در واقع مسئله برمی‌گردد به نوع مسکن‌سازی، نوع شهرسازی، نوع اقتصادی بلاصاحب حداقل برای شهرداری یک میلیون تومان هزینه دارد. نگهداری‌اش در ماه هم یک میلیون تومان هزینه دارد. حالا شما حساب کنید چه بودجه‌ای باید برای این جمعیت صرف شود. در واقع اگر طرح ما اصلا برای ما روشن نیست. فرض کنید قانون تصویب شد و ما مجاز به نگهداری سگ و گربه‌های من نشدیم. باید این جمعیت بزرگ از حیوانات خانگی چه کنیم؟ آن ظرف ما حرکت مسئول طبیعت خواهد بود. این جمعیت را تا چه می‌کند؟ بعد اتفاقی که برای آنها می‌افتد یا اگر حقوق حیوان منطبق است؟ به هر حال یک جمعیت خیلی بزرگی در خانه تربیت و مراقبت و امکانات خودش را دارد و به یکباره آن را در خیابان یا طبیعت رها کنیم ممکن است عواقب بدی برایش داشته باشد.»

در بخش دیگری از پرداختن به این موضوع از دکتر ایمانی‌جاجرمی پرسیدیم که آیا اجرا به ممنوعیت نگهداری از حیوان خانگی می‌تواند مسئله آن را حل کند؟ این استاد دانشگاه در پاسخ به سؤال «شرق» گفت: «مثلا این یک عقیده و پیشینه‌ای دارد. شما که نمی‌توانید بگویید اینها یک شبه خلق شده‌اند؛ مثلا همین نگهداری حیوانات خانگی. شما می‌بینید در دوره‌ای که ما همچنان همان زندگی سنتی خودمان را داشتیم و چنین مسئله‌ای مطرح نبوده است. اما زمانی که بنیادها تغییر کرده و به تبع آن شیوه‌های زندگی را تغییر داده، آدم جدید با مسائل جدید متولد شده است. این را باید فهم کرد و مبتنی بر این فهم باید دید که حالا چه کار لازم است بکنیم. مثلا در مورد حیوان خانگی شما نمی‌توانید بگویید که «آقا! نداشته باش.» یا «خانم! نداشته باش.» چون آنها بسته به نیاز زندگی‌شان این راه‌حل را پذیرفته‌اند.

برای همین در مواردی می‌بینیم که کسی حیوان خانگی را به‌عنوان فرزند خودش قبول دارد. یعنی همان رابطه عاطفی که یک نفر با فرزند خودش برقرار می‌کند، او با حیوان خانگی‌اش دارد و می‌گفت که این موضوع اگر از نظر بهداشتی زندگی‌اش ساده می‌کنید، می‌بینید که خوب این حیوان خانگی یک جایی در زندگی این آدم بر گرده است دیگر. منطقی‌ترین راه‌حل این است که شما این را به اصطلاح regulate کنید؛ یعنی برای آن مقررات بگذارید که اسب‌هایش کمتر شود. ضمن اینکه اسب‌هایی هم این وضعیت مغشوش الان دارد؛ یعنی معلوم نیست که حقوق دیگران که این را بیدا نکنند و آنها را در خیابان رها کنند. شما ببینید با این حجم حیوان خانگی راهشده در خیابان الان است چه کنیم؟ جمع‌آوری هر سگ و گربه با واکسینه‌کردن سگ‌ها) به طور مؤثری پیگیری می‌شود». بیماری‌های مشترک در نتیجه کموتجهی به بهداشت و سلامت حیوانات به انسان سرایت می‌کنند، که قربانیان آن در وهله اول خود حیوانات هستند.

درک اغلب کارندکان و حامیان طرح صیانت از دلیل نگهداری حیوانات خانگی، خودِ خودمایی یا فخروفروشی است و دانش درستی از رابطه عاطفی عمیق انسان و حیوانی خانگی و همچنین اهمیت و ارزش این حیوانات در کمک به بهبود سلامت روان ندارند. در تایید این مسئله تحقیقات علمی زیادی انجام شده است. نه‌تنها سلامت روان بلکه برای مثال تحقیقات انجام‌شده نشان داده‌اند که نگهداری از گربه ریسک ابتلا به حمله قلبی را کاهش می‌دهد. با این وجود طرح صیانت با ممنوع‌کردن نگهداری از حیوانات خانگی و حمل‌ونقل آنها، نه‌تنها باعث کاهش نگهداری از آنها نمی‌شود بلکه با کاهش سطح دسترسی به خدمات بهداشتی، درمانی و تجهیزات نگهداری استاندارد، ضمن عدم صیانت از حقوق عامه باعث آسیب بیشتر به حیوانات می‌شود. آیا کسانی که حیوان خانگی دارند، حاضر می‌شوند آن را با حیوان دیگری تعویض کنند؟ اگر از کسی که ۱۰ سال حیوانی را نگهداری کرده است، بخواهیم از او را به آرامی مبلغی بفروشد، خوب مثبتی می‌شویم؟ اگر افراد حاضر به رهاکردن پیوند عاطفی عمیقشان نمی‌شوند. از اجرای طرح صیانت صرفا خدمات دامپزشکی محدود، زیرزمینی، بی‌کیفیت و گران‌قیمت می‌شود. امکان نظارت کاهش پیدا می‌کند و دامپزشکان تجربی جای دامپزشکان تحصیل‌کرده را خواهند گرفت. در نتیجه ممنوعیت کامل خرید و فروش، بازارهای قاچاق و خرید و فروش همچنان رونق گرفته و امکان نظارت یا اصلا وجود ندارد یا بسیار محدودیت بر تولدکنسته سخت‌تر می‌شود. مشکلات ناشی از این تصمیم ناصحیح گریبان شهروندان، اعم از خیل‌دوست و... را خواهد گرفت.

در مقابل مطابق با تجربه دیگر کشورها، قانون حمایت از حیوانات عملا تمام مشکل‌ها و مشکلاتی را که ممکن است شهروندان داشته باشند، حل خواهد کرد. مالکیت مسئولانه حیوان خانگی که از اصول اساسی هر قانون حمایت از حیوانات است، باعث بهبود سلامت و رفاه حیوانات و کاهش هرگونه آسیب از جانب آنها به دیگران است.

قطعا پیوند عاطفی شهروندان به حیوان خانگی‌شان از پیشوندی که با دیدلو، ماهواره یا توییتر دارند، کمتر نیست. اگر مجبور باشیم با جنگ طرف حمایت صرفا حیوانات خانگی را حذف نخواهد کرد. هدف را با افزایش شمار قانون‌شکنان اجرای قانون به وجود آورد. اجرای قانون با عاطفی را کاهش خواهد داد و مشکلات اجتماعی و اخلاقی را افزایش خواهد داد.

مجتبی طباطبایی
پژوهشگر اخلاق محیط زیست

«طرح صیانت از حقوق عامه در مقابل حیوانات مضر و خطرناک» به غیر از مشکلات اقتصادی که در جزئیات دارد، مبتنی بر رویکردی نوشته شده است که نتیجه معکوس داشته و نه‌تنها صیانتی از حقوق عامه حاصل نمی‌شود بلکه ضمن ایجاد به حیوانات، با تصبیح حقوق عامه مشکلات را چندین برابر خواهد کرد؛ بنابراین این طرح مصداق بارز نقض غرض است.

ضابطه‌مندکردن نگهداری از حیوانات خانگی اقدامی بی‌سابقه در دیگر کشورها، اعم از کشورهای غربی یا مسلمان نیست. مقیاس نگهداری از حیوانات خانگی در کشورهای پیشرفته قابل قیاس با ایران نیست، مثلا ۷۰ درصد خانواده‌ها در آمریکا، ۵۹ درصد در انگلیس، ۴۵ درصد در فرانسه و ۳۳ درصد در کانادا حیوان خانگی دارند. در این کشورها مشکلات را به چیزی مشابه «صیانت از حقوق عامه» بلکه محرمانه‌بودن نام‌شان مراتب را به دستگاه‌های ذی‌صلاح گزارش دهند. سرانجام همه حیواناتی که در جریان این طرح مشمول رفتار مجرمانه می‌شوند، هم ضبط از سوی دستگاه‌های ذی‌صلاح است.

آیا نگهداری حیوان در خانه یک سبک زندگی غربی است؟

«نگهداری حیوان‌های خانگی برای برخی تبدیل به «کلاس» شده؛ جولی آن را می‌گوییم». این اظهارنظر متعلق به خجسته‌الاملاء نقدعلی، نماینده مجلس یازدهم و اصفاسکننده طرح «صیانت از حقوق عامه در مقابل حیوانات مضر و خطرناک» است. او و بسیاری از مدافعان این طرح معتقدند که نگهداری حیوان خانگی یک سبک زندگی غربی است و مثل همه چیزهایی که غربی است و باید به جنگش رفت، باید مقابل این مورد هم ایستاد؛ اما این ادعا تا چه میزان درست است؟ آیا نگهداری حیوان در خانه واقعا یک فرهنگ وارداتی است؟

دکتر حسین ایمانی‌جاجرمی، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه در این باره به «شرق» می‌گوید: «هم‌زیستی انسان‌ها با حیوانات اصلی ریشه‌هایی تاریخی و قدیمی دارد؛ مثلا در سبک زندگی روستایی و عشایری ما سگ نقش مهمی دارد و کمک حال خانواده عشایری در موضوع اقتصادی است. حتی در این زمینه پژوهشی هم انجام شده که نشان می‌دهد نگهداری سگ‌ها در زندگی ایلیاتی چقدر اقتصادی، اجتماعی و با حتی روانی است. اما در منظر شهری موضوع کمی فرق می‌کند. از یک منظر نکته به این مسئله که انسان شهری حیوان خانگی را به عنوان موئس خود انتخاب کند اتفاق جدیدی است. اما این موضوع به این سادگی قابل تحلیل نیست. یعنی نمی‌توان گفت فقط نگهداری سگ و گربه در خانه غربی است. در گذشته خانه‌های شهری هم بزرگتر و حیاط‌دار بودند و انسان‌ها فرصت و جای بیشتری برای نگهداری حیوان داشتند. وقتی از آن خانه‌ها سپردیم به خانه‌های ۵۰ تا ۶۰ متری فعلی یعنی ما یک سبک زندگی دیگر را پذیرفته‌ایم. خانه‌های مسکن مهر که در همین دوره معاصر و از حوِ دوران مبارزه با سبک زندگی غربی ساخته شد هم واجد این شرایط است. بنابراین وقتی خانه‌هایی ۴۰ تا ۶۰ متری می‌سازیم و شهروندان را در آن جا می‌دهیم دیگر یک سبک زندگی را ترویج می‌کنیم. این سبک زندگی جدید هم به همراه دغدغه‌ی انفصال از زندگی اجتماعی، تنهایی، انزوا و نیازهای جدیدی را می‌آورد. بنابراین به نظرم این یک مسئله غربی و غیرغربی نیست؛ بلکه در واقع مسئله برمی‌گردد به نوع مسکن‌سازی، نوع شهرسازی، نوع اقتصادی

سگ و گربه هم‌تراز کروکودیل و مار

درباره این طرح تاکنون بحث‌های زیادی شده؛ ولی برای شروع به نیست نگاهی داشته باشیم به کلیات آن. مطابق این طرح نگهداری، گرداندن و حمل‌ونقل برخی از حیوانات در صورت تصویب این طرح ممنوع است. حیواناتی که در این طرح عنوان شده‌اند، هم دایره گسترده‌ای دارند؛ از سگ‌های «کروکودیل (تمساح)، لاکپشت، مار، سوسمار، گربه، موش، خرگوش، سگ و سایر حیوانات نجس‌العین و میموس» می‌شود. همین که حیواناتی مانند خرگوش، سگ و گربه در این طرح هم‌تراز حیواناتی مانند کروکودیل و مار قرار گرفته است، برای بسیاری جای سؤال دارد. همچنین مقایسه این حیوانات با عنوان طرح که از حیوانات «مضر و خطرناک» سخن گفته است، به هر روی چنانچه در این طرح آمده، اگر هر شهروندی اقدام به نگهداری، گرداندن، حمل‌وقبل یا واردات، تولید، تکثیر، پرورش و خرید و فروش این حیوانات کند، به جزای نقدی معادل ۱۰ تا ۲۰ برابر حداقل حقوق کارگری (که سالانه از سوی دولت و اتحادیه‌های مربوطه تعیین و اعلام می‌شود) و نیز ضبط حیوان مربوطه محکوم می‌شوند. همچنین در این طرح برخی سازمان‌ها نظیر هلال‌احمر، نیروی انتظامی، مراکز و آزمایشگاه‌های تحقیقاتی و... از شمول این قانون مستثنا شده‌اند. درباره شهروندان هم شرایط خاصی در نظر گرفته شده است. چنان‌که در این طرح آمده که روستانشینان، عشایر و کله‌داران، صرفا در محدوده فعالیت و متناسب با نیازهای زندگی خود می‌توانند از سگ نگهبان استفاده کنند، اما شما به‌عنوان یک شهروند شهرنشین چگونه می‌توانید حیوان خانگی داشته باشید؟ پاسخ این سؤال در دست دادستان شهرستان محل زندگی شماست. دادستان هر شهرستان باید کمیته‌ای متشکل از نمایندگان ذی‌ربط شهرداری، نیروی انتظامی، دانشگاه علوم پزشکی (اداره بهداشت و درمان) سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان دامپزشکی، نماینده تام‌الاختیار فرماندار تشکیل داده و به درخواست شهروندان برای نگهداری حیوان خانگی رسیدگی کند. به‌این‌ترتیب اگر شما شهروندی هستید که دوست دارید حیوان خانگی داشته باشید، باید فرم درخواستی بر کنید تا چنین کمیته‌ای به شما اجازه داشتن حیوان خانگی را بدهد. همچنین از دیگر موارد این طرح دستوراتی به اتحادیه مربوطه املاک است تا در قراردادهای شان ممنوعیت نگهداری حیوان خانگی را هم لحاظ کنند. همچنین در این طرح شرایطی برای گزارش شهروندان دیده شده که در صورت مشاهده نگهداری حیوان خانگی می‌توانند با حفظ محرمانه‌بودن نام‌شان مراتب را به دستگاه‌های ذی‌صلاح گزارش دهند. سرانجام همه حیواناتی که در جریان این طرح مشمول رفتار مجرمانه می‌شوند، هم ضبط از سوی دستگاه‌های ذی‌صلاح است.

آیا نگهداری حیوان در خانه یک سبک زندگی غربی است؟

«نگهداری حیوان‌های خانگی برای برخی تبدیل به «کلاس» شده؛ جولی آن را می‌گوییم». این اظهارنظر متعلق به خجسته‌الاملاء نقدعلی، نماینده مجلس یازدهم و اصفاسکننده طرح «صیانت از حقوق عامه در مقابل حیوانات مضر و خطرناک» است. او و بسیاری از مدافعان این طرح معتقدند که نگهداری حیوان خانگی یک سبک زندگی غربی است و مثل همه چیزهایی که غربی است و باید به جنگش رفت، باید مقابل این مورد هم ایستاد؛ اما این ادعا تا چه میزان درست است؟ آیا نگهداری حیوان در خانه واقعا یک فرهنگ وارداتی است؟

دکتر حسین ایمانی‌جاجرمی، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه در این باره به «شرق» می‌گوید: «هم‌زیستی انسان‌ها با حیوانات اصلی ریشه‌هایی تاریخی و قدیمی دارد؛ مثلا در سبک زندگی روستایی و عشایری ما سگ نقش مهمی دارد و کمک حال خانواده عشایری در موضوع اقتصادی است. حتی در این زمینه پژوهشی هم انجام شده که نشان می‌دهد نگهداری سگ‌ها در زندگ